

■ بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) اخیراً در گزارشی نوشت: «ممنوعیت انتقال گاز طبیعی، تحریم بعدی ایران است و تحریم بعدی آمریکا علیه ایران ممانعت از انتقال گاز از ایران به ترکیه و عراق خواهد بود». اما به‌رغم تأکید دشمن بر ضرورت حذف ایران از بازار گاز منطقه، ظاهراً وزارت نفت هنوز این تهدیدها را جدی نگرفته و در خواب سنگینی فرو رفته است

گزارش «وطن امروز» درباره توقف صادرات گاز ایران به ترکیه، پاکستان و عراق وزمزمه‌های تحریم‌گازی کشورمان

تحریم‌ها به گاز نشت کرد؟

وزارت نفت هنوز اقدام مؤثری برای تثبیت سهم ایران از بازار جهانی گاز نکرده است



سیداحسان حسینی: یکی از جدی‌ترین برنامه‌های آتی آمریکا برای تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌ها و تحمیل فشار حداکثری بر دولت و معیشت مردم بر تحریم صادرات گاز ایران متمرکز شده است. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) اخیراً در گزارشی نوشت: «ممنوعیت انتقال گاز طبیعی، تحریم بعدی ایران است و تحریم بعدی آمریکا علیه ایران ممانعت از انتقال گاز از ایران به ترکیه و عراق خواهد بود». اما به‌رغم تأکید دشمن بر ضرورت حذف ایران از بازار گاز منطقه، ظاهراً وزارت نفت هنوز این تهدیدها را جدی نگرفته و در خواب سنگینی فرو رفته است.

ایران به عنوان دومین دارنده منابع گاز طبیعی دنیا می‌تواند نقش مهمی را در بازار منطقه‌ای و جهانی گاز ایفا کند. سهم ۱۸ درصدی ایران از کل منابع گازی دنیا در کنار موقعیت ویژه کشور در جغرافیای اقتصادی و سیاسی خاورمیانه، فرصت مناسبی ایجاد کرده تا با برنامه‌ریزی و اخذ تدابیر لازم بتواند به هاب انرژی منطقه تبدیل شود. صادرات گاز به کشورهای منطقه نه تنها از جنبه اقتصادی، بلکه از جنبه تأثیرگذاری بر معادلات سیاسی منطقه و افزایش قدرت ایران با ایجاد وابستگی کشورها به گاز ایران و ارتقای امنیت ملی کشور نیز قابل بررسی است. در این بین کارشناسان و صاحب‌نظران انرژی حتی توسعه صادرات گاز کشور را یکی از راهبردهای موجود برای خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا در حوزه انرژی می‌دانند که ایران می‌تواند با تمرکز بر آن بخش قابل توجهی از فشار ناشی از کاهش صادرات نفت را جبران کند.

در این راستا یکی از جدی‌ترین برنامه‌های آتی آمریکا برای تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌ها و تحمیل فشار حداکثری بر دولت و معیشت مردم نیز بر تحریم صادرات گاز ایران متمرکز شده است. «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) بیست‌و‌دوم اردیبهشت ۱۳۹۹ (۱۱ مه ۲۰۲۰) در گزارشی به قلم «پندرا شافر» استاد دانشگاه جورج تاون نوشت: «ممنوعیت انتقال گاز طبیعی،

LNG آمریکا جایگزین گاز ایران در بازار ترکیه می‌شود

واردات گاز خود از زیر سلطه گازی ایران بر این کشور خارج شود و آمریکا نیز در نظر دارد با حذف ایران از بازار گاز ترکیه فشار تحریم‌ها را بر کشورمان افزایش دهد. به طور کلی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در حوزه صادرات گاز راهبردی با نام «مولکول‌های آزاد» دارد. بر اساس این راهبرد صادرات LNG به اقصی نقاط دنیا برخلاف صادرات گاز با خط لوله که محدودیت‌هایی در مقصد صادرات دارد با محدودیتی مواجه نیست و در نتیجه هدف آمریکا از صادرات LNG این است که این LNG مانند مولکول‌های آزاد، اروپا را از زیر یوغ روسیه و ترکیه را از زیر یوغ ایران خارج کند.

نکته جالب توجه اینکه در سال‌های اخیر ترکیه نیز با افزایش ظرفیت پایانه‌های واردات LNG، مجموع ظرفیت وارداتی خود را به ۲۵ میلیارد مترمکعب رسانده است که هم‌اکنون ۷۵ درصد از این ظرفیت خالی است. لذا جایگزینی کامل LNG آمریکا در بازار ترکیه به جای گاز ایران کاملاً محتمل است. این نکته را نیز در نظر داشته باشید که در برخی ماه‌های سال گذشته ترکیه به اندازه حجم واردات گاز از ایران، از آمریکا محموله‌های LNG وارد کرده است.

صادرات گاز ایران به ترکیه طی قراردادی ۲۵ ساله در سال ۷۵ با شرکت بوتاش ترکیه منعقد شد. بر اساس این قرارداد حجم گاز صادراتی به ترکیه سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب (روزانه ۲۷ میلیون مترمکعب) خواهد بود و عملیات صادرات نیز از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۴۰۵ اعتبار خواهد داشت. درحالی که ۶ سال تا پایان قرارداد ایران با ترکیه فرصت باقی مانده است اما تاکنون اقدام جدی‌ای توسط وزارت نفت برای تمدید این قرارداد صورت نگرفته است. در این بین اما رقبای ایران در بازار ترکیه پشت‌پرتحرک ظاهر شده و در حال ربودن بازار ایران به نفع خود هستند.

آمریکا یکی از رقبای جدی ایران در بازار ترکیه است که تلاش می‌کند LNG (گاز مایع) خود را جایگزین گاز ایران در این بازار کند. در این راستا در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۰، ترامپ و اردوغان با هدف افزایش سطح تجاری ۲ کشور به سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار در دهه آینده، درباره گزینه صادرات LNG آمریکا به ترکیه مذاکره کردند که با توجه به انگیزه‌های سیاسی این ۲ کشور جایگزینی LNG آمریکا به جای گاز ایران اصلاً دور از انتظار نیست، زیرا ترکیه قصد دارد با تنوع‌سازی سبد

فرصت‌سوزی وزارت نفت در بازار گاز ترکیه

مهدی جمشیدی‌دانا، مدیر دیسپچینگ شرکت ملی درباره آخرین تحولات صادرات گاز ایران به ترکیه می‌گوید: «از ۱۲ فروردین‌ماه که خط لوله صادراتی به ترکیه منفرج شد تاکنون همچنان صادرات گاز ایران به ترکیه قطع است و تا زمان رفع مشکل صادرات آغاز نخواهد شد. به دلیل شیوع ویروس کرونا شرکت ترکیه‌ای که طرف قرارداد ما است، عملیات بازسازی را به کندی پیش می‌برد و پیش‌بینی می‌شود تا آخر خردادماه عملیات تعمیرات طول بکشد». فلذا تعلق ترکیه در تعمیر این خط لوله بخوبی نشان می‌دهد این کشور در حال حاضر اصلاً نیازی به گاز ایران نداشته و گزینه‌های جذاب‌تری برای تأمین گاز مورد نیاز خود در اختیار دارد.

در حالی که غفلت وزارت نفت، گاز ایران در آستانه حذف از بازار گاز ترکیه قرار دارد که این کشور قبل از افزایش واردات گاز از سایر کشورها ابتدا به فکر تأمین منابع گازی مورد نیاز خود از طریق ایران بود. در این راستا محمدمانیر راد، کارشناس بازار گاز می‌گوید: «ترکیه در راستای تأمین امنیت انرژی خود با جمهوری آذربایجان

توافق خط لوله کریدور جنوبی را منعقد کردند و در میدان گازی شاه‌دنیز و خط لوله آن وارد سرمایه‌گذاری شدند. نکته مهم آنکه پیش از دست زدن به این کار، اردوغان در دیدار با روحانی ابتدا به ایران پیشنهاد داد در قیمت گاز وارداتی تخفیف بدهد اما ایران امتناع کرد. بنابراین ترکیه اکنون هم میزان گاز خریداری شده از آذربایجان را بیشتر کرده و هم درصدد توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی LNG خود است.

لازم به توضیح است در حال حاضر رقم گاز صادراتی ایران به ترکیه از رقم سایر قراردادهای گازی ایران بیشتر است، بنابراین اعطای تخفیف مناسب در عوض توسعه بازار و افزایش وابستگی ترکیه به ایران مقول به نظر می‌رسد که با بی‌تدبیری دولت و وزارت نفت این فرصت از دست رفت. حال مسوولان وزارت نفت باید پاسخگو باشند که در ۸ سال گذشته و درحالی که رقبای ایران رویکردی فعالانه در بازار ترکیه داشته‌اند، چه اقداماتی را برای حفظ یا توسعه بازار گاز ایران در ترکیه انجام داده‌اند که اکنون در آستانه حذف از این بازار نباشیم.

ورود LNG قطر و پایان کار گاز ایران در بازار پاکستان

امضا کرده است. این مساله نشان می‌دهد نقش گاز در بازار پاکستان در حال جدی شدن است. همچنین این کشور در حال ساخت پایانه‌های جدید در بندر گوادر نزدیک مرز ایران است که با بهره‌برداری از این پایانه‌ها، نیاز پاکستان به گاز ایران کمتر خواهد شد.



ضمن آنکه منابع مالی این کشور هم محدود است و حتی اگر نیاز پاکستان به گاز به طور کامل تأمین نشود باز هم در صورت واردات LNG از قطر و آمریکا دیگر پولی برای این کشور برای خرید گاز از ایران باقی نمی‌ماند. در نتیجه در صورتی که ایران نتواند

به خاطر تصمیمات غلط بیژن زنگنه و مجموعه وزارت نفت، پروژه صادرات گاز به پاکستان نیز در حالت تعلیق قرار گرفت؛ درحالی که اگر سیاست دولت دم در احداث خط لوله، پیش گرفته می‌شد الان صادرات گاز ایران به پاکستان انجام می‌شد. در این بین و در شرایط انصراف ایران از حضور در بازار گاز پاکستان، این کشور به دنبال جایگزین‌هایی برای تأمین گاز مورد نیاز خود از طریق واردات LNG از کشورهای نظیر قطر، الجزایر و آمریکا رفت. کشور پاکستان گاز مورد نیاز خود را به قیمت روز و به صورت تک‌محموله (نه در قالب قراردادهای بلندمدت) می‌خرد. قطر، الجزایر و جدیداً آمریکا از جمله کشورهایی هستند که بخش خصوصی پاکستان از آنها گاز می‌خرد اما اخیراً این کشور قرارداد بلندمدت ۱۵ ساله‌ای نیز با قطر برای واردات LNG

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

وطن امروز | شماره ۲۹۲۹

اقتصادی



روسیه و آذربایجان در بازار ترکیه گوی سبقت را از ایران ربوندند

تواند به یونان و ایتالیا گاز صادر کند. ظرفیت انتقال خط لوله ترکاستریم ۳۱/۵ میلیارد مترمکعب گاز (بیش از ۳ برابر گاز صادراتی ایران به ترکیه) است.

در مجموع با توجه به ظرفیت خالی ۱۸ میلیارد متر مکعبی پایانه‌های واردات LNG ترکیه و تقویت یافتن قرارداد صادرات LNG بین آمریکا و ترکیه، همچنین افزایش ۶ میلیارد مترمکعبی صادرات گاز آذربایجان به ترکیه و همچنین بهره‌برداری خط لوله ترکاستریم به ظرفیت ۳۱/۵ میلیارد مترمکعب طبیعی است که در صورت تداوم غفلت وزارت نفت دیگر جایی برای بازار ۱۰ میلیارد مترمکعبی گاز ایران در ترکیه وجود ندارد. در این بین عدم تمایل ترکیه به واردات گاز از ایران و خطر حذف ایران از این بازار به راحتی در ماجرای تعلق شرکت بوتاش ترکیه در تعمیر خط لوله آسیب‌دیده صادرات گاز از ایران قابل مشاهده است.

۱۶ میلیارد مترمکعبی قرار است ۶ میلیارد آن به ترکیه برسد و مابقی در اختیار یونان و ایتالیا قرار بگیرد. در نتیجه با توجه به افزوده شدن ۶ میلیارد مترمکعب جدید واردات از آذربایجان، سهم این کشور در سبد انرژی ترکیه دو برابر شده و معادل سالانه ۱۲ میلیارد مترمکعب می‌شود، لذا بالاتر از ایران یعنی سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب قرار گرفته است.» این کارشناس بازار گاز همچنین با اشاره به حضور فعالانه روسیه در بازار ترکیه افزود: «اولین مسیر صادرات گاز از روسیه به ترکیه از طریق خط لوله‌ای بود که از خشکی از سمت اوکراین به رومانی و سپس به استانبول می‌رسید که به نام خط لوله ترانس‌بالتیک شناخته می‌شود. خط لوله بعدی به اسم بلواستریم بود که از زیر دریای سیاه کشیده شد. خط سوم که به نتانگی احداث شده است ترکاستریم نام دارد و از کریمه می‌گذرد. هدف از احداث ترکاستریم این بود که ظرفیت خط لوله ترانس‌بالتیک آزاد شود تا روسیه

آمریکا تنها رقیب ایران در بازار ترکیه نیست و آذربایجان و روسیه نیز در این بازار حضور فعالی دارند. در این راستا محمدمانیر راد، کارشناس بازار گاز می‌گوید: «یکی از گزینه‌های ترکیه برای تأمین گاز، واردات از جمهوری آذربایجان است. این کشور میدان گازی‌ای به اسم شاه‌دنیز در دریای خزر دارد که از حجم قابل توجهی گاز برخوردار است. مجموع گاز تولیدی دو فاز این میدان گازی سالانه حدود ۱۶ میلیارد مترمکعب است که قرار است با خط لوله‌ای به نام کریدور جنوبی به ترکیه و اروپا منتقل شود.» راد خاطر نشان کرد: «این خط لوله ۳ بخش دارد؛ یکی از شاه‌دنیز تا مرز ترکیه است که به آن قفقاز جنوبی می‌گویند و به بهره‌برداری رسیده است. بخش دوم با نام تاناب در داخل خاک ترکیه قرار دارد که شرق این کشور را به غرب آن متصل می‌کند. بخش سوم هم از مرز ترکیه از زیر دریای بالتیک به ایتالیا می‌رود و ترانس‌آدریاتیک نام دارد. از تولید

حذف از بازار گاز عراق در سایه بی‌تدبیری وزارت نفت و فشارهای آمریکا

با توجه به نیاز کشور عراق به گاز برای سوخت نیروگاه‌های برق، قراردادهای فروش گاز به بغداد و بصره در سال‌های ۹۲ و ۹۴ بین ۲ کشور ایران و عراق منعقد شد. مدت این ۲ قرارداد ۶ ساله بود که از سال ۹۵ در حال اجراست و در حال حاضر ایران مجموعاً روزانه ۳۵ میلیون متر مکعب گاز به عراق صادر می‌کند. در بازار عراق نیز همانند بازار ترکیه و پاکستان ما به طور همزمان با بی‌تدبیری وزارت نفت و فشارهای آمریکا مواجهیم.

در این راستا محمدمانیر راد، کارشناس بازار گاز می‌گوید: «بیژن زنگنه در دو مرحله عراقی‌ها را درباره صادرات گاز اذیت کرد. یک مرحله زمانی بود که قرار شد ایران به این کشور گاز صادر کند و خط لوله‌ها کشیده شد، دولت تغییر کرد و زنگنه بر سر کار آمد. در آن زمان زنگنه گفت تا زمانی که عراق برای ما لاسی باز نکند و ما مطمئن نشویم این کشور قادر به پرداخت پول گاز است، گازی صادر نخواهد شد. این مساله کش و قوس‌های زیادی پیدا کرد که در نهایت دولت عراق موظف شد بهای گاز خریداری شده را در یکی از بانک‌های این کشور به صورت دینار واریز کند.» وی در ادامه خاطر نشان کرد: «در برهه‌ای دیگر زنگنه سر این موضوع که پول گاز صادر شده به دست ایران نمی‌رسد، قطع عراق را قطع کرد و گفت این گوش‌زدی به عراق است. قطع گاز موجب می‌شود تولید برق عراق متوقف شود، لذا این مساله در این کشور حساسیت زیادی ایجاد می‌کند. البته اینکه گفته می‌شود عراق پول صادرات گاز ایران را نمی‌دهد نیز دروغ است و حتی الان مقداری از پول گاز صادراتی نیز به صورت دینار در بانک‌های عراقی دیو شده است که در واقع به دلیل ناتوانی وزارت نفت است، اگر نه می‌توان به راحتی این پول را به مصرف رساند.»

حال این رفتار وزارت نفت را در کنار فشارهای شدید آمریکا به عراق برای محدودیت واردات گاز از ایران قرار دهید. در حال حاضر آمریکا با اعمال فشار به دولت عراق و تمدید ۴۵ روزه مهلت قطع واردات گاز از ایران در حال فشار به این کشور است. در نتیجه در صورت ایجاد جایگزین‌های دیگر قطعاً عراق نیز به سمت حذف ایران از بازار گاز خود حرکت خواهد کرد (به دلیل رعایت ملاحظات از توضیح گزینه‌های موجود برای جایگزینی گاز ایران در بازار عراق معذوریم اما در صورت بی‌تفاوتی وزارت نفت حذف ایران از بازار گاز عراق نیز شدت محتمل است.)

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به بی‌تدبیری وزارت نفت در حوزه صادرات گاز کشور و تمرکز آمریکا بر اعمال تحریم‌ها بر صادرات گاز ایران، حذف همیشگی ایران از بازار منطقه شدت محتمل است. البته انتقادات به عملکرد و استراتژی وزارت نفت در بازار منطقه‌ای گاز تنها به صادرات گاز به کشورهای ترکیه، پاکستان و عراق و آنچه گفته شد خلاصه نمی‌شود و اشتباهات این وزارتخانه در قطع واردات گاز از ترکمنستان، عدم پیگیری قرارداد صادرات گاز به عمان و فجاج مربوط به قرارداد کرنت و صادرات گاز به امارات و جریمه ۵۰ میلیارد دلاری ایران نیز قابل مشاهده است.

زنگنه مانع اصلی صادرات گاز ایران به پاکستان



اقساطی و روی مبلغ گاز خریداری‌شده از ایران توسط پاکستان پرداخت شود. نکته جالب اینکه این پیشنهاد در دولت دم در حال اجرایی شدن بود که با آمدن بیژن زنگنه به وزارت نفت جلوی آن گرفته شد. در این راستا سیدعلی نصر، کارشناس انرژی درباره جزئیات روند احداث خط لوله صلح در دولت دم می‌گوید: «پاکستان قرار بود ۷۰۰ کیلومتر خط لوله در داخل کشور احداث کند اما به دلیل منابع مالی اندک و فشارهای آمریکا که اجازه نمی‌داد این کشور منابع مالی‌ای را که از عربستان دریافت می‌کند در این حوزه هزینه کند، این کار میسر نشد. اواخر دولت دم، احمدی‌نژاد در بازدید از این خط لوله در پاکستان گفت ایران حاضر است ۵۰۰ میلیون دلار وام به این کشور بدهد تا این خط لوله احداث شود، زیرا دولت می‌دانست راه‌اندازی این پروژه پاکستان را به ایران وابسته می‌کند و احتمال اینکه هند هم به آن بپیوندد زیاد است.»

وی درباره نحوه پرداخت وام مذکور گفت: «قرار بود دولت ایران پول را که از قرار گاه خاتم بپردازد و طرف ایرانی در پاکستان خط لوله بسازد و در خاتمه پاکستان همراه با پول گاز، وام را به صورت اقساط بازپرداخت کند. این توافق نهایی شد اما با تغییر دولت در ایران و وزیر شدن زنگنه، جلوی کار گرفته شد. زنگنه اعلام کرد تا زمانی که پاکستان خودش این خط لوله را احداث نکند، ما گازی صادر نمی‌کنیم. همچنین خط لوله ایران که تا این‌اکنون رسیده بود تکمیل نشد. در حالی که اگر ایران خط لوله را تا مرز می‌رساند، می‌توانست معادل ۷۵ درصد مبلغ قرارداد از طرف مقابل بابت عدم خرید گاز جریمه دریافت کند. با ورود زنگنه به وزارت نفت، ۴ بار پیمانکار این خط لوله تغییر کرد و در نهایت هم نیمه‌کاره ماند. بنابراین امکان شکایت و گرفتن جریمه هم مقدور نیست.»

قرارداد صادرات گاز ایران به پاکستان در قالب خط لوله صلح خردادماه سال ۸۸ منعقد شد. بر اساس این قرارداد ایران به مدت ۲۵ سال از ۳۱ دسامبر ۲۰۱۸ به میزان ۸ میلیارد مترمکعب در سال به پاکستان گاز صادر خواهد کرد. اما عملیات احداث این خط لوله در ایران با صرف هزینه بیش از ۲ میلیارد دلار از سال ۹۲ تاکنون متوقف شده است. در حال حاضر این خط لوله تا ایرانشهر (۱۵۰ کیلومتری مرز پاکستان) کشیده شده است و مشخص نیست چرا مابقی خط لوله برای احداث گاز به پاکستان احداث نمی‌شود. در این بین دلایلی توسط مسوولان وزارت نفت برای توجیه توقف این پروژه ذکر شده که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

یکی از دلایل وزارت نفت برای توقف پروژه احداث خط لوله تا مرز پاکستان، عدم احداث خط لوله در خاک پاکستان است که مانعی برای صادرات گاز ایران به شمار می‌آید. یعنی در صورتی که ایران مابقی پروژه خط لوله صلح در خاک خود را تکمیل کند؛ چون پاکستان در خاک خود خط لوله احداث نکرده است باز هم امکان صادرات گاز به این کشور وجود ندارد. در پاسخ به این اظهار نظر باید گفت طبق قرارداد اگر ایران خط لوله خود را تا مرز پاکستان احداث کند و آن کشور آماده دریافت گاز نباشد، باید معادل ۷۵ درصد مبلغ قرارداد جریمه به ایران پرداخت کند. حال سوال اساسی این است که چرا مسوولان وزارت نفت در دفاع از حق مسلم مردم ایران برای دریافت غرامت از پاکستان اقدامی نمی‌کنند؟! البته برای احیای صادرات گاز به پاکستان راه‌های دیگری غیر از دریافت غرامت نیز وجود دارد. برای مثال ایران می‌تواند به یکی از پیمانکاران احداث خط لوله صلح وامی اهدا کند تا ادامه این خط لوله در پاکستان نیز احداث شود و سپس این وام اهدا شده به صورت